

خبرها

کامیار عابدی خبر داد:

انتشار کتابی درباره دکتر محمد مقدم

بخش فرهنگی – مجموعه شعرها و تحلیل‌های دکتر محمد مقدم (۱۲۸۷–۱۳۷۵) که در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ به نوآوری در شعر فارسی دست زد و نیما نوآوری‌های او را فراتر از زمان دانست به زودی منتشر می‌شود. کامیار عابدی پژوهشگر و منتقد ادبی که این آثار را گردآوری و همراه با زندگی‌نامه، کتابشناسی کامل این شاعر آماده انتشار کرده است با اعلام این خبر به ایسنا می‌گوید: دکتر مقدم یکی از نوآوران کم‌شناخته‌شده شعر نو در ایران است و چون پس از این دوره به تحصیل در رشته زبان‌های استانی و ایرانشناسی در دانشگاه پرینستون آمریکا و در زاگشت به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت، وجهه ادبی او بسیار کم شناخته شده است. او در این دوره موفق شد رشته زبانشناسی را در دانشگاه تهران تاسیس کند و به همین دلیل «انجمن زبانشناسی ایران» از سال ۱۳۹۴ جایزه‌ای را به نام «جایزه دکتر محمد مقدم» پایه‌گذاری کرده که هرساله به بهترین پایان‌نامه‌ها در رشته زبانشناسی اعطا می‌شود. او می‌افزاید: در کتاب «محمد مقدم: شاعر و زبانشناس» که در ۲۲۰ صفحه به زودی در انتشارات مروارید منتشر خواهد شد، علاوه بر شعرها و تحلیل‌های او، در چند فصل از زندگی، شعر و آرای زبانشناسی او سخن رفته و خلاصه‌ای از نظرهای ایرج افشار، محمدرضا باطنی، فریدون بدره‌ای، علی‌محمد حق‌شناس، محمدرضا شفیعی کدکنی، هرمز میلانیان، پرویز ناتل خانلری، سیفال‌الدین نجم‌آبادی، ناصر وثوقی، قاسم هاشمی‌زاد و نیما یوشیج درباره آثار و شعرهای او نیز نقل شده است. عابدی همچنین بیان می‌کند: دکتر محمد مقدم در زمینه واژه‌سازی نیز فعالیت‌های درخورتوجهی داشته که در پایان کتاب فهرستی از واژه‌های برساخته او به صورت دوزبانه (انگلیسی-فارسی) آمده است. کلمه‌های «ویراستن، ویراستار، ویرایش» از ساخته‌های دکتر مقدم است.

.....●●●●●

نویسنده کانادایی در حال نگارش «اظهارات»

مارگارت آتوود «داستان ندیمه»

را ادامه می‌دهد



بخش فرهنگی – نویسنده سرشناس کانادایی اعلام کرد ادامه «داستان ندیمه» را تا سال ۲۰۱۹ به بازار می‌فرستد. به گزارش مهر به نقل از بوک سلر، مارگارت آتوود نویسنده سرشناس کانادایی اعلام کرد در حال نوشتن ادامه‌ای بر رمان پرفروش و مشهور «داستان ندیمه» است . به گفته نویسنده داستان این کتاب که با عنوان «اظهارات» منتشر می‌شود ۱۵ سال پس از صحنه نهایی داستان قبلی را دربرمی‌گیرد.

این کتاب قرار است سپتامبر ۲۰۱۹ به بازار بیاید و ناشر قول داده که انتشار کتاب یک رویداد جهانی خواهد بود. در حالی که رمان اصلی سال ۱۹۸۵ منتشر شد، آتوود گفته است با الهام از سوال‌هایی که طرفداران وی درباره جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، پرسیده‌اند، ادامه داستان را نوشته است.

وینتیج این کتاب را ۱۰ سپتامبر سال آینده روانه بازار کتاب می‌کند و اعلام شده کتاب با قیمت ۲۰ پوند در بریتانیا منتشر می‌شود.

ناشران مختلفی امتیاز انتشار این رمان را به دست آورده‌اند تا علاوه بر کانادا از کراسی تا هند و آفریقا همزمان به بازار بیاید. آتوود در این باره گفت: خوانندگان عزیز، همه آنچه شما درباره گیلاد و کارهایش از من پرسیدید الهام بخش نوشتن این کتاب شد. عامل الهام بخش دیگر جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم.

گفته می‌شود انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶ و ساخته شدن سریالی تلویزیونی بر مبنای این رمان که موفق به کسب جایزه امی شد از عوامل ادامه یافتن این رمان است. روی آنتن رفتن این سریال موجب فروش دوباره رمان شد و بیش از ۱۸۸ هزار نسخه آن در سال گذشته در بریتانیا به فروش رسید.

به گفته وینتیج تاکنون بیش از هشت میلیون نسخه از این کتاب تنها در جهان انگلیسی زبان فروخته شده است. این ناشر اعلام کرده رمان جدید به معنی مخاطب قراردادن نسل جدیدی از کتابخوانان در سراسر جهان است. «داستان ندیمه» سال ۱۹۸۵ منتشر شد و در فهرست نهایی جایزه بوکر ۱۹۸۶ جای گرفت و برنده جایزه آرتور سی کلارک که مخصوص کتاب‌های علمی تخیلی است نیز شد. داستان این کتاب در شهر کمبریج در ماساچوست ایالات متحده آمریکا رخ می‌دهد. پس از ترور رییس‌جمهوری آمریکا با گلوله و به رگبار بستن همه اعضای کنگره ایالات متحده توسط مسیحیان بنیادگرا و اعلام وضعیت فوق‌العاده، انقلابی در کشور رخ می‌دهد، قانون اساسی لغو شده و حکومتی تمامیت‌خواه مسیحی به نام جمهوری گیلاد تشکیل می‌شود. در این حکومت جدید آزادی‌های فردی بیشتر شهروندان پایمال می‌شود و همه ادیان به جز دین رسمی کشور، ازدواج مجده، طلاق و ... غیرقانونی اعلام می‌شود. متخلفان مذهبی و سیاسی اگر بخت یارشان باشد به مناطق سمی و خطرناک که کولونی نامیده می‌شوند فرستاده می‌شوند، وگرنه در بیشتر موارد با طناب دار اعدام شده و به «دیوار» (ظاهرا دیوار دانشگاه کمبریج) آویخته می‌شوند تا مایه عبرت بقیه باشند. بخش جدید سریال «داستان ندیمه» اکنون در دست تولید است.

کین امروز

{فرهنگ و هنر}

نگاهی به فیلم «مغزهای کوچک زنگ زده» ساخته هومن سیدی

یک فیلم سینمایی تمام عیار

می‌شود، و دلش برای بچه‌ی یتیمی که به آفتاب نیاز دارد، می‌سوزد. ما در طول فیلم شاهد تحوّل شخصیتی و طغیان‌هاین هستیم. تحوّلِی که به‌ظرف‌بزرگ‌ترین و باورپذیرترین شکل ممکن ترسیم شده است. تحوّلِی که در نهایت شاهین و تماشاگران را با هم به این نتیجه‌ی نهایی فیلم می‌رساند که در این دنیا، گوسفندان همیشه گوسفند می‌مانند. یک گوسفند بدون چوپان، هرگز چوپانِ بعدی نمی‌شود، بلکه باید منتظر بماند تا چوپانِ بعدی بیاد و افسارش را در اختیار بگیرد. «مغزهای کوچک زنگ‌زده» فیلمی است پر از خشونت آشکار و پنهان که خشونت و تعصّب را به نقد می‌کشد. فیلمی که فقر و فلاکت و خشونت را هنرمندانه به تصویر می‌کشد و از این منظر شاید تا اندازه‌ای یادآور «لید و یک روز» (فضای خانه‌ی این خانواده و تقابلِ دو برادر ناخودآگاه‌ابد و یک روز را به خاطرم‌ان می‌آورد)، اما به این تصویر تکراری بسنده نمی‌کند و چندین قدم فراتر می‌رود، هم از لحاظ محتوایی و هم از منظر سینمایی. آخرین ساخته ی هومن سیدی یک بیگ‌پروداکشن فوق‌العاده‌ی سینمایی است با شخصیت‌هایی به‌یادماندنی، بازی‌هایی بی‌نقص و بی‌نظیر از نوید محمّزاده و فرهاد اصلانی و نوید پورفرج (که در میان ستارگان فیلم می‌درخشد) و دیگران، فیلمبردارِ چشم‌نواز

پیمان شادمان فر، موسیقی تلفیقی عجیب و غریب بامداد افشار که هم‌خوانی فوق‌العاده‌ای با کلیت اثر دارد، طراحی صحنه و لباس کم‌نقص، تدوین عالی، و البته فیلم‌نامه‌ای دقیق و عجیب و کارگردانی حیرت‌انگیزی از فیلمساز جوان نابغایی که با هر فیلم، شگفت‌زده‌مان می‌کند و فیلم به فیلم هم بهتر و پخته‌تر می‌شود. «مغزهای کوچک زنگ‌زده» یک فیلم سینمایی تمام‌عیار است. فیلمی که در کنار «تنگه‌ی ابوقریب»، بهترین فیلمهای جشنواره‌ی سی و ششم بودند و گویی به جشنواره‌ی دیگری تعلق داشتند و به اعتقاد نگارنده، هر دو فیلم، از استانداردهای سینمای ایران فراتر می‌روند. فیلم‌هایی که باید آن‌ها را در سینما تماشا کرد و لذت برد، بدون آنکه بخواهیم مّنه به خشخاش بگذاریم و مو را از ماست بکشیم و حتماً نقدی به آن‌ها وارد کنیم. «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و «تنگه‌ی ابوقریب» آن‌قدر فیلم‌های خوب و کاملی هستند و آن‌قدر تماشای‌شان لذّت بخش است که به قول سعید قطبی‌زاده، منتقد سینما، اگر ایرادی هم دارند «فدای سرشان»! (جمله‌ای که قطبی‌زاده آن را در مورد فیلم «عرق سرد» به زبان آورد).

نگاهی به فیلم عرق سرد ساخته سهیل بیرقی

رادیکالیسم معکوس

اینقدر ریاکار ، مریض و خودخواه نشان داده شده است که حتی برخی ابراز احساسات درست و به حشش دیده و درک نمی شود و از طرفی افروز با بازی باران کوثری آنقدر شجاع ،تنها و بیگناه به تصویر کشیده می شود که جایی برای اعراب و حق ندادن به او باقی نمی ماند. بالاخره بین نگرش تند و رادیکال تهمنه میلایی به جامعه مردان و زنان و سهیل بیرقی و فیلمسازان نسل نوی سینمای ایران باید تفاوتی وجود داشته باشد ونباید واپسگرایی ها و تحجری که در نگاه امثال خانم میلایی وجود دارد به نسل جدیدتر سینما منتقل شود هرچند دلیل این رادیکالیسم رفتاری تهجر گروه مقابل، ریاکاری و بسیاری از قوانین اشتباه و نگاه مردسالارانه در جامعه باشد. در هرحال ایجاد این دو قطبی به نفع هیچ کس تمام نمی شود. دو فیلم من و عرق سرد از بیرقی با وجود توان زیادی که روی فیلمنامه اش صرف شده از فیلمنامه بیشتر ضربه می خورد. برخی اتفاقات و مناسبت ها بیشتر جنبه عقده گشایی و تلافی طرف مقابل را پیدا می کند و کمتر در درام فیلم و پیوندانه سینمایی فیلمنامه توجیه می شود . از این رو به نظر می رسد این نگاه درست و متعهدانه بیرقی به جامعه و تاثیر دقیق و خوبی که از اجتماع خودش می گیرد در دامن درامی منسجم تر و موجه تر می تواند موثر باشد و رادیکالیسم و تحجر برای هردو طرف بد است هم آنهایی که می خواهند با لاپوشانی و مخفی کاری مشکلات و معضلات جامعه را بپوشانند و فضا را گل و بلبل نشان دهند و هم آنها که در مقابل این برخوردها مواضع تند و غیرمنطقی اتخاذ می کنند.

رفتارشناسی تلویزیون به بهانه اتفاق اخیر در شبکه شما

مرگ تدریجی یک رویا

تلویزیون پیش بردن تا موسسات مالی و ضرر و زیانی که مردم از طریق اعتماد به تبلیغات تلویزیونی کردند، اشاره کرد. همه این اتفاق‌ها تنها یک خروجی دارد؛ سلطه نگاه سرمایه‌داری بر تنها رسانه فراگیر کشور آن‌هم بدون رقیب.

دو؛ رقابت با دشمن فرعی

از همین برنامه جمعه گذشته شروع می‌کنیم. نام برنامه چیست؟ «من و شما» که یادآور شبکه تلویزیونی «من و تو» است و به لطف زرق و برق و جذابیت‌های بصری خود در سال‌های گذشته رقیب جدی سیمای ملی ما شده است. صدا و سیما از زمان گسترش فعالیت‌های شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای بیش از هر زمان دیگری به سندرم تقلید برای رقابت دچار شده‌است.از تمامی تاک‌شوها و هات‌تاک‌هایی که در طول این مدت تولید شده تا تمامی جنگ‌ها و برنامه‌های ترکیبی و حتی مسابقه‌های تفریحی تلویزیون همگی تقلید باواسطه و بدون‌واسطه از برنامه‌هایی است که از یکی از شبکه‌های فارسی‌زبان پیشش شده است.از کی‌پرداری نعل به نعل برنامه «شب کوک» از برنامه «استیج» شبکه «من و تو» گرفته تا «دوره‌می» و «برنده باش» و «آقای گزارشگر» و «دستیخت» و بسیاری برنامه ترکیبی و تفریحی که فاقد هویت ملی و نگاه داخلی است. نتیجه آن فرهنگ وارداتی است که مجری‌بانش را بی‌هویت و هتاک بار می‌آورد و توهین به ساحتی سیف را جزوی از رک‌گویی می‌داند و برای جذب بیشتر مخاطب حاضر است کرامت انسانی را در مقابل دوربین به مسلخ ببرد. رسانه ملی که قرار بود دانشگاه عمومی باشد و هر برنامه‌اش بر رشد فرهنگی و مطالعاتی جامعه تاثیر مثبت بگذارد امروز به یک بنگاه بزرگ حق‌العمل‌کار تبدیل شده که مخاطبانش را تشنه جایزه‌های چندصد میلیونی و قرعه‌کشی‌های روزانه‌اش کرده و شآن و جایگاه و منزلت شهروندانش را به گردش گردونه‌های اعداد و شماره‌تلفن‌های افراد گره زده و آنقدر بر دور باطل خود اصرار می‌کند که نمی‌داند قرار است برای چه کسی و چه چیزی برنامه‌سازی کند. تغییر رفتار تلویزیون یک مسئله بنیادین است که اگر هر چه زودتر مدیران برای آن تصمیمی نگیرند باز هم شاهد رفتارهای نامناسب از قاب شیشه‌ای خواهیم بود. هتاک‌ی داور مسابقه دستپخت به شرکت کننده خانم و توهین به مجری جوان به ساحتی فراسنی روی آنتن زنده و چندین مورد بی‌اخلاقی و بی‌حرمتی به ساحت بزرگان که در رسانه ملی رخ داده است، نتیجه گسترش و رشد خرده‌فرهنگ‌های ضدارزش است که ریشه اصلی آن را باید در برنامه‌سازی این روزهای تلویزیون جست‌وجو کرد. هیچ ملتی با تشویق‌های ۲۰۰میلیونی یک مسابقه تلویزیونی کتابخوان نشده است؛ همانطور که فرهنگ نقد در جامعه با توهین و هتاک‌ی به رشد و خودباوری نرسیده است. رویای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین رسانه خاورمیانه تنها با تغییر ساختار فکری در عرصه مدیریت فرهنگی امکان‌پذیر خواهد بود؛اگر چنین نشود صدای ناقوس مرگ را هر لحظه نزدیک‌تر می‌شنویم. مرگ تدریجی یک رویا!

یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۷

خبرها

«اوشین» زنده است

بخش فرهنگی – «یوکو تاناکا» معروف‌ترین بازیگر نقش «اوشین» در سریال معروف «سال‌های دور از خانه» ۶۳ ساله و در قید حیات است. به گزارش ایسنا، با درگذشت «هارو آکاگی» – بازیگر ژاپنی – در سن ۹۴ سالگی برخی از رسانه‌ها به اشتباه او را بازیگر نقش کهن‌سالی شخصیت «اوشین» در سریال معروف «سال‌های دور از خانه» معرفی کردند؛ این در حالی است که بازیگر دیگری به نام «توبوکو اوتاوا» در این مجموعه در نقش دوران کهنسالی «اوشین» را بازی کرده و در سال ۱۹۹۴ در سن ۷۰ سالگی درگذشته است.

در سریال معروف «اوشین» محصول سال ۱۹۸۳ ژاپن، «ایاکو کوبا یاشایی»، «یوکو تاناکا» و «توبوکو اوتاوا» به ترتیب در نقش دوران کودکی، جوانی و میانسالی و کهنسالی شخصیت اصلی بازی کردند. «ایاکو کوبا یاشایی» که هم‌اکنون ۴۶ ساله است، همچنان به بازی در نقش‌های مختلف در سریال‌های ژاپنی ادامه می‌دهد. «یوکو تاناکا» که بیشترین حضور را در این نقش «اوشین» بازی کرده است و شناخته‌شده‌ترین چهره در این سریال تلویزیونی است نیز هم‌اکنون ۶۳ ساله است و «توبوکو اوتاوا» بازیگر نقش کهنسالی «اوشین» نیز در سال ۱۹۹۴ فوت کرده است. سریال «اوشین» اولین بار در بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۴ در ۲۹۷ قسمت ۱۵ دقیقه‌ای از شبکه «NHK» ژاپن به روی آنتن رفت. این سریال که رکورددار پر مخاطب‌ترین سریال تلویزیونی در تاریخ ژاپن است، در شبکه‌های تلویزیونی ۶۸ کشور جهان نیز به روی آنتن رفت.

.....●●●●●

الهام‌بخش‌ترین‌های تاریخ سینما معرفی شدند

بخش فرهنگی – گروهی از محققان در ایتالیا با بررسی بیش از ۴۷ هزار فیلم، اقدام به معرفی تاثیرگذارترین و الهام‌بخش‌ترین فیلم‌ها، کارگردانان و بازیگران تاریخ سینمای جهان کردند.

به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، در این پژوهش محققان با بررسی ۴۷ هزار فیلم در ۲۶ ژانر مختلف سینمایی و با استفاده از ارجاعات موجود در پایگاه اطلاعات سینمایی «IMDB» به این نتیجه رسیدند که فیلم «جادوگر شهر از» به کارگردانی «ویکتور فلمینگ» محصول سال ۱۹۳۷ میلادی، الهام‌بخش‌ترین فیلم صنعت سینما بوده است و تاکنون بیشترین ارجاعات به آن شده است. محققان با استفاده از چهار رویکرد محاسباتی و بدون در نظر گرفتن فیلم‌های کوتاه و فیلم‌هایی که هیچ ارجاعی به آن‌ها نشده است، اقدام به معرفی ۲۰ فیلم تاثیرگذار تاریخ سینما کردند که همه آنها محصول قبل از سال ۱۹۸۰ میلادی هستند و پس از «جادوگر شهر از» که در رتبه نخست جای گرفته، فیلم‌های «جنگ ستارگان» و «روانی» رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

«همشهری کین»، «متروپلیس»، «کازابلانکا»، «دکتر استرنجلاو» و «رزم‌او پوتمکین» از دیگر آثار برجسته حاضر در این فهرست هستند.

دکتر «لیویو بیوگلیو» استاد دانشگاه تورین و یکی از محققان گفت: هدف اصلی این پژوهش، یافتن فیلم‌هایی است که از نقطه نظر تاریخی دارای بیشترین اهمیت هستند.

ازجمله یافته‌های این تحقیق این است که کشورهای هند، ژاپن و آمریکا معمولاً تمایل کمتری به تولیدات مشترک سینمایی با سایر کشورها دارند، این در حالی است که فرانسه و بلژیک کشورهایی هستند که بیشترین مشارکت سینمایی را با دیگر ملل در صنعت سینما دارند. همچنین تاثیرگذارترین فیلم‌های ایتالیایی در دهه ۱۹۶۰ میلادی ساخته شده‌اند اما سینمای آلمان در دهه ۱۹۳۰ مهم‌ترین آثار خود را تولید کرده است.

این محققان برای رتبه‌بندی تاثیرگذارترین کارگردانان و بازیگران تاریخ سینما و برای جلوگیری از عدم یک‌جانبه‌گری به سمت فیلم‌های قدیمی‌تر، از روشی استفاده کردند که بر اساس آن تاثیرگذاری فیلم‌ها با فیلم‌های اکران شده در همان سال مقایسه شده‌اند.

بر این اساس، «آلفرد هیچکاک» تاثیرگذارترین کارگردان تاریخ سینما معرفی شد و پس از آن «استیون اسپیلبرگ» در جایگاه دوم قرار گرفت. همچنین «ساموئل ال‌جکسون»، «تام کروز»، «لویی مکسول» و «کری فیشر» نیز به عنوان الهام‌بخش‌ترین بازیگران سینما شناخته شدند.

فهرست ۲۰۰ فیلم تاثیرگذار و الهام‌بخش تاریخ سینمای جهان از این قرار است:
۱. جادوگر شهر از (۱۹۳۹)
۲. جنگ ستارگان (۱۹۷۷)
۳. روانی (۱۹۶۰)
۴. کینگ کونگ (۱۹۵۳)
۵. ۲۰۰۱: اדיسه فضایی (۱۹۶۸)
۶. متروپلیس (۱۹۲۷)
۷. همشهری کین (۱۹۴۱)
۸. تولد یک ملت (۱۹۱۵)
۹. فرانکشاتر (۱۹۳۱)
۱۰. سفید برنی و هفت کوتوله (۱۹۳۷)
۱۱. کازابلانکا (۱۹۴۲)
۱۲. دراکولا (۱۹۳۱)
۱۳. پدرخوانده (۱۹۷۲)
۱۴. آرواره‌ها (۱۹۷۵)
۱۵. نوسفراٹو (۱۹۲۲)
۱۶. جویندگان (۱۹۵۶)
۱۷. کابیریا (۱۹۱۴)
۱۸. دکتر استرنجلاو (۱۹۶۴)
۱۹. بر باد رفته (۱۹۳۹)
۲۰. رزم ناو پوتمکین (۱۹۲۵)